

کرزی طی یک دهه چه میراثی از خود بجا گذاشت؟؟؟

(انواع پدیده های منفي چون: تنگ سالاري ، ماجراجويي ، خويشخوري ، رشوت ستاني ، بي

مسؤوليتي ، چور و چپاولگري ، زورگويي ، منطقه پرستي ، روزگذراني، و ...)

« قسمت چهاردهم – صباح »

جنگ با تروریسم



من آن مسکن تنهای غریم
دیگر از سهم کشور بی نصیبم
به خود گفتم وطن آباد گردد
همه داند که خودرانی فریبم.

از زمان ظهور طالبان تا حال کسی تحولات درونی تحریک طالبان را نفهمیده و چگونگی روابط این گروه با پاکستان بسیار پیچیده بوده، آنچه کسی در آن شکی ندارد اینست که پاکستان کلید اصلی این تحریک بوده و هر تصمیم آن باید از معبر حمایت پاکستان بگذرد. پاکستان با جدل های که از زمان ایجادش با افغانستان دارد، هرگز از مداخله در درون افغانستان دست نکشیده و مخصوصاً درسی سال اخیر این مداخله فراختر و آفتابی تر شده است. چون میدانند که اگر روزی در افغانستان دولت مقتدر و یکدستی ساخته شود، دوسیه حساب های کهنه و گذشته را در برابر پاکستان باز خواهد کرد و در آن وقت پاکستانی ها به درد سر های نافر جانی گیر خواهند ماند. اینکه دولت افغانستان در رفع اختلافات دیرین چقدر می تواند با پاکستان کنار آید و یا حد اقل آرامشی به پاکستان بخشیده شود، مربوط به درایت افغانستان است و این زمانی ممکن است که دولت افغانستان قضایای وطن خود را از زاویه دید خود بنگرد، نه رقبای پاکستان. در آن صورت تلاش های دولت افغانستان تا جایی به نتیجه خواهد رسید و دست افغانستان برای تقویت و بازسازی اش کشاده خواهد گشت.

طالبان گروهی است که در جریان جنگ های تنظیمی و چپاولگری شکل گرفت. این گروه که قرائتی تنگ نظرانه نسبت به مفاهیم اسلامی دارد به کمک انگلیس و آمریکا و با حمایت مالی و ایدئولوژیکی عربستان سعودی به زیر فرمان آی اس آی ، اردو، جنرالان و مساعدت های بی دریغ پاکستان شکل گرفت. طالبان مجموعه ای از مدرسه روان - عرب و غیر عربی که بیشتر در جنوب پاکستان مشغول فراگیری اسلامی بودند. این مدارس با کمک مالی دولت ریاض تاسیس و در پاکستان، به ویژه جنوب این کشور به ترویج دیدگاه سلفی و وهابی مبادرت می کنند.

با چراغ سبز آمریکا، این مجموعه کوچک به سرعت به انواع سلاح های پیشرفته تجهیز شد به گونه ای که بعد از خروج نیروهای شوروی از افغانستان و تشکیل اولین حکومت مجاهدین به زمامداری برهان الدین ربانی، خود را به عنوان یک تشکل رقیب نشان داد. تضاد دیدگاه مجاهدین و طالبان کار را به جایی کشاند که میان آنان نبرد در گرفت و افغانستان در دام جنگ داخلی افتاد. نیروهای طالبان که به دلیل حمایت های انگلیس، آمریکا، عربستان نیرو گرفته بودند کشور را اشغال کردند. آنان با اشغال قندهار در سال نوزده نود چهار عملاً دولتی خود خوانده با قوانین سخت بدوی در این ولایت را به اجرا گذاشتند. مردم افغانستان که از هر جرم و چور و چپاول مجاهدین خسته شده بودند و نیاز شدیدی به استقرار نظم و قانون احساس می کردند در ابتدا روی خوش به طالبان نشان دادند.

طالبان سرانجام در سال نوزده نود و شش کابل را قبضه کردند و بدین ترتیب با تصرف پایتخت، حکومت خود را در سراسر افغانستان مستقر ساختند. اگرچه در این دوران و بعد از آن مقاومت هایی از سوی بخشی از گروه صورت گرفت، اما قدرت مالی و نظامی طالبان به همراه نظم آهنینی که در کشور بوجود آورده بود باعث شد که ثبات و پایداری آن هر روز استحکام بیشتری یابد. با استقرار حکومت طالبان به مرور چهره خشن و ارتجاعی این گروه و قرائت سلفی- وهابی آنان از اسلام عرصه را بر مردم تنگتر کرد اما کسی یارای مقابله با آن را نداشت.

حامیان طالبان نیز از حضور آنان در افغانستان خشنود بودند. رهبری طالبان با ملا عمر است. مردی که مخالف عکس و کار و تحصیل زنان و فعالیت مکتب و پوهنتون است. ملا عمر کمتر به دیدها ظاهر میشود و چهره حقیقی آن تاهنوز که هویت افغان بودن وی را ثابت نماید در دسترس نیست. در خلال جنگ های تنظیمی و امارت طالبان ، بن لادن تروریست مشهور و خطرناک که از نظر ایدئولوژیکی و اندیشه با جهادیه ها و طالبان نزدیک و از نگاه فعالیت تروریستی ارتباط داشت به ننگر هار کوچ کشی کرد. بن لادن که در جنگ با نظامیان شوروی از همراهان مجاهدین بود و سرمایه افسانه ای خود را در اختیار مجاهدین و بعدها طالبان گذاشته بود و وی بعد از استقرار مورد پذیرش و پذیرایی مجاهدین و طالبان قرار گرفت. در پی ماجرای یازده سپتامبر و مشخص شدن اجرای این

عملیات توسط سازمان تروریستی بن لادن، آمریکا از طالبان خواست که بن لادن را تحویل دهد اما طالبان امتناع کرد. بدین ترتیب آمریکا رسماً جنگ با طالبان را آغاز نمود. طالبان سرنگون اما غربی‌ها نتوانستند ملا عمر، رهبر طالبان دستگیر کنند. اسامه در پاکستان وسیله کماندوهای ویژه آمریکا به قتل رسید و اما القاعده دامنه فعالیت‌های تروریستی خود را به سراسر جهان کشاند و نیروهای طالبان همچنان به نبرد با نیروهای دولتی و ناتو ادامه می‌دهند.

حکومت طالبان که از تاسیس در کابل الی سقوط آن در ماه اکتوبر دو هزار و یک، پنج سال را در بر گرفت یکی از سیاه‌ترین و بد نام‌ترین دوره‌های تاریخ شمرده می‌شود. نسل‌کشی، و زیرپا نمودن حقوق زنان، بستن دروازه‌های مکاتب، خصومت با علم، فرهنگ، هنر و هر آنچه با تمدن و انسانیت ارتباط داشت در برنامه کاری آنان قرار داشت. هدف نهایی طراحان پروژه طالبان راخلع فرهنگی و از بین بردن دست آوردهای معنوی کشورما تشکیل میداد.

انفجار در سفارتخانه‌های آمریکا در کینیا و تانزانیا در سال نوزده نود و هشت و بخصوص حادثه تروریستی یازده سپتامبر دو هزار و یک در ایالات متحده آمریکا صورت گرفت، جهان را متوجه وخامت اوضاع و حکومت طالبان نمود و سرانجام کشورهای غربی را مصمم ساخت تا این دستگاه تروریستی را از میان بردارد.

مردم افغانستان و جامعه جهانی که هر کدام به نحوی از حاکمیت طالبان آسیب دیدند و ناگذیر شدند که برای نجات کشور از چنگ افراطیون و افراطی‌گری اقدام فزینگی نمایند. بیش از ده سال می‌شود که تحت همین نام و عنوان جنگ، قتل و غارت ادامه داشته و کمتر روزی است که در، رسانه‌های داخلی و خارجی، از حملات انتحاری، انفجارات و یا حملات راکتی، به یکی از نقاط کشور، خبر ندهد. در حالیکه انتظار می‌رفت با تشکیل پارلمان و تنفیذ هر چه بهتر قانون، دولت، به بخشی از چالش‌های موجود در مقابل خود، فایق آید، اما دیده می‌شود که تشدید ناامنی‌ها، باعث ایجاد چالش عمده‌ای در مقابل دولت، شده است. کابل پایتخت کشور که در آن نیروهای پر شمار داخلی و خارجی تامین‌کننده امنیت، وجود دارند نیز از گزند ناامنی‌ها، مصئون نمانده و بطور پراکنده اما هشدار دهنده‌ای، مورد حملات انتحاری و فیر راکت قرار می‌گیرند. با وجود همین چالش‌ها درین مدت خبر و تفصیر از سازش و مصالحه با تروریستان پخش و نشر می‌گردد.

کرزی و خارجیها در همه سخنرانی و عملکرد خود درباره طالبان زبان نرم و عملکرد سازشگونه اختیار کرده و این امر نمایانگر تمایل شدید وی و ائتلافیون خارجی برای نزدیک شدن به طالبان به حساب می‌آید. کرزی بارها طالبان را برادر توصیف کرد و مسئله عفو عمومی را مطرح ساخت. وی همچنین جذب طالبان در نهادهای دولتی را مطرح کرد. اینکه کرزی خود به چنین باوری رسیده باشد و با ایالات

متحدہ امریکا مشورت نکرده باشد امری دور از ذهن است، به ویژه اینکه او قبلاً در واشنگتن با اوباما و اعضای دولتش در مورد طالبان دیدار و گفتگو کرده بود. خارجیها در افغانستان در تنگنای عجیبی گرفتار شده است. جنگ برای آنان بسیار پرهزینه است و حضور بیش از صد تاصدو پنجاه هزار پرسونل در شرایط کنونی و بحران اقتصادی امریکا بردوش خزانہ و مالیات دهنده گان به شدت سنگینی می کند. گفته می شود که هزینه ماهانه جنگ امریکا در افغانستان هفت میلیارد دالر است که البته باید به آن مشکلات صدها کشته و زخمی را هم اضافه کرد. تهاجم گسترده امریکا و نیروهای ناتو علیه طالبان در هلمند که با هدف پایان دادن به کار طالبان در آن منطقه صورت گرفت، موفقیت آمیز نبود. طالبان پس از موفقیت در دفع حملات نیروهای خارجی توانست ضربات سختی به نظامیان خارجی وارد کند. طالبان عملاً بر دوسوم خاک افغانستان سلطه دارند و بارها توانسته اند در مواقع حساس دولت کرزی را با حملات خود تحت الشعاع قرار دهند. آنها حتی زمانی که وزیران در حال ادای سوگند قانون اساسی بودند کاخ ریاست جمهوری را مورد حملات خویش قرار دادند، مسئله ای که در نخستین روزنشست جرگه صلح تکرار شد. تهاجم طالبان می تواند نمایانگر قدرتمندی و نفوذ آنها حتی در کابل باشد. با در نظر داشت قدرتمندی طالبان، درخواست کرزی را می توان نتیجه ضعف او تفسیر کرد و عدم پذیرش پیشنهاد های کرزی از سوی مخالفین تفسیر فوق را تایید می کند.

طالبان بارها تأکید کرده است که با امریکایی ها و فرماندهان سازمان پیمان آتلانتیک شمالی تنها در مورد یک موضوع گفتگو می کند، خروج نیروهای بیگانه و در اختیار گرفتن قدرت. طالبان اکنون می دانند که در موضع قدرت قرار دارند. فرمانده نیروهای انگلیسی در افغانستان اعلام کرد در این جنگ نمی توان پیروز شد و بیشتر مردم انگلیس در نظر سنجی ها خواستار خروج نیروهای خود شده اند. مجموع این مسائل نشان می دهد که بازگشت طالبان به قدرت از آنچه ما تصور می کنیم بسیار نزدیک تر شده است.

کرزی که در این اواخر از تکتیک های کشورهای غربی در مبارزه علیه طالبان انتقاد کرده، کرزی گفت، تلاش های قوای بین المللی در افغانستان مانند سال های اول موفق نیست. ملت افغانستان دست را با جهان یکی کرد حکومت طالب ها و القاعده را از افغانستان راندند و افغانستان دوباره به یک روند عادی زنده گی برگشت. ولی به تعقیب آن حملات تروریستی در افغانستان زیاد شد. در عین حال دیدیم که پاکستان هم مورد حملات شدید تروریزم قرار گرفت. این ما را به این وادار کرد تا ما دیدگاه خود را تجدید دوباره کنیم و تحلیل کنیم که چه می گذرد. این کار های که می شود همیشه از پاکستان به طرف افغانستان می آید یا و یا یک دسیسه بزرگ تر در کار است که هم افغانستان را بی ثبات می سازد و هم پاکستان را. کرزی هم چنین گفت، قوای بین المللی نتوانست که مراکز آموزش و تمویل تروریستان را از بین ببرد و طبق میل مردم افغانستان در برقراری امنیت نیز موفق نبوده اند.

روزنامه ساندي تايمز انگليس در گزارشي اعلام کرده است که طالبان به‌طور رسمي از سوي بالاترين مقام‌ها در دولت اسلام‌آباد حمايت مي‌شوند. اين نشريه حتي پا را فراتر از اين مي‌گذارد و براساس شواهد خود تأکيد مي‌کند که هفت نفر از پانزده عضو مجلس شوراي کويته به سازمان اطلاعات پاکستان وابسته هستند. طبق گزارش منتشر شده از سوي کالج علوم اقتصادي لندن، دولت پاکستان در افغانستان در واقع نقشي دوگانه ايفا مي‌کند. مت و ولدمن، تحليلگر پوهنتون هاروارد عقیده دارد که در تحقيقات قبلي درباره شبه‌نظاميان، تا حد زيادي نفوذ سازمان اطلاعات پاکستان بر طالبان نادیده گرفته شده است.

در گزارش ساندي تايمز که به ده‌ها مصاحبه، مستند است و دوفراز مقام‌هاي بلندپايه امنيتي کشورهاي غربي آن را تأييد کرده‌اند، آمده است- سازمان اطلاعات پاکستان که براي طالبان پناهگاه و حمايت مالي، نظامي و لوژستيکي تأمين مي‌کند براي انجام عمليات جنگي از نفوذ قدرتمندانه‌اي برخوردار است. در گزارش ادعا شده که آصف‌علي زرداري اخيرا با تعدادي از رهبران طالبان ديدار کرده و به آنها تأکيد کرده که دولتش به‌طور کامل از طالبان حمايت خواهد کرد، هرچند سخنگوي رسمي دولت پاکستان اين موضوع را رد کرده است.

روزنامه گاردين در گزارشي اعلام کرده است که در افغانستان بسياري بر اين باور هستند که آمريکا از طالبان در همه زمينه‌ها حمايت مي‌کند. به عقیده اين گروه آمريکا واقعا خواستار طولاني شدن جنگ در کشور است زيرا مي‌خواهد حضور خود را تثبيت و طولاني کند. در واقع اگر طالبان شکست بخورد و به‌طور کامل از بين برود آمريکا ديگر بهانه‌اي براي باقي ماندن در افغانستان نخواهد داشت. اردوي افغانستان وقتي پایگاه‌هاي طالبان را تصرف مي‌کند متوجه مي‌شود که اسلحه‌هاي موجود در اين پایگاه‌ها مشابه اسلحه‌هايي است که آمريکا به اردوي افغانستان مي‌دهد. علاوه بر اين بسياري بر اين باور هستند که ايالات متحده آمريکا مدارس آموزش افراطگرايان در افغانستان و پاکستان را تأمين مالي مي‌کند و هلوپترهاي آمريکا کالاهاي ضروري را به طالبان مي‌رسانند. انگليسي‌ها هم در اين رابطه مورد اتهام هستند و بسياري عقیده دارند که آنها مایلند بيشتراز آمريکايي‌ها در افغانستان باقي بمانند. آنها مي‌خواهند با طالبان به مذاکره بنشينند تا آنها را براي پيوستن به نيروهاي دولتي راضي کنند. انگليسي‌ها مي‌خواهند از اين راه، نفوذ خود در منطقه را همچنان پر قدرت باقي نگه دارند. واقعيت اين است که هر کدام از طرف‌ها به دلايل خاص خود مایلند که طالبان همچنان حضور فزيکي نيرومندي در منطقه داشته باشند. آنها مي‌خواهند که از وجود طالبان در صحنه‌ها و امتيازگيري از رقبا، بهره برداري کنند. در اين گيرودار طالبان که از همه طرف کمک دريافت مي‌کنند از وضعيت موجود بيشتري بهره رامي‌برند. آنها در اين شرايط مي‌توانند بهراحتي فعاليت‌هاي خود را ادامه دهند. واقعيت اين است که تا زماني که درگيري وجود دارد طالبان نيز وجود خواهند داشت.

نشریه فارن پالیسی در مقاله تحت عنوان بازی کرزی سوالی را مطرح کرده می نویسد، زمانی که یک خانواده شانزده نفری در نتیجه انفجار بم که توسط طالبان در کنار سرک جابجاشده بود، کشته شد، زمانی که یک شفاخانه توسط جنگجویان طالبان انفجار داده شد و زمانی که یک دختر هشت ساله بی گناه وادار به این شد که پاکت پراز مواد انفجاری را انتقال دهد و در نزدیکی یک پایگاه نظامی انفجار داده شد، زمانی که کابل و ولایات و مردم بی گناه و بی دفاع مورد حملات انتحاری قرار میگیرند، زمانی که هوتل سپوژمی، هوتل کابل سرینا... رییس جمهور کرزی کجا بود تا این اعمال را محکوم می کرد؟ کرزی در آن زمان هیچ سرو صدای را بلند نکرد. اما برخلاف در برابر تلفات افراد ملکی توسط قوای خارجی به سرو صدا بلند کرده آن را تقبیح می کند.

کرزی مرد هوشیار است و به ساده گی فراموش نمی کند که این چنین اعمال را محکوم کند. در حقیقت معلوم می شود که او از تلفات افراد ملکی در قلمرو خود کاملاً آگاهی دارد. زمانی که قوا ناتو چهارده تن افراد ملکی را اشتبهاً بقتل رساند، کرزی گفت، اگر ناتو به چنین اعمالش ادامه دهد، پس در آن صورت، حضور آنها در افغانستان که قوای مبارزه با تروریزم پنداشته می شود به قوای که علیه مردمان ملکی می جنگند، تبدیل شده و قوای اشغال گر پنداشته خواهد شد. به گفته روزنامه این در حالیهست که طالبان در برابر کشتن یک فرد ملکی توسط ناتو، چهار غیر نظامی را می کشند. از آنجایی که افغانستان در نا امنی های شدید دست و پا می زند و کشور در آستانه آغاز یک جنگ داخلی تمام العیار قرار دارد، امتناع کرزی از محکوم نمودن کشتار افغانان توسط طالبان، ضعف رهبری او را نشان می دهد.

برعکس زمانی که نیروهای بین المللی موجب صدمه به افراد ملکی شوند، رییس جمهور کرزی بی صبرانه اعمال شان را تقبیح می کند. کرزی در رابط به چشم پوشی از قساوت و بی رحمی طالبان شورش نسبت به مردم این بهانه را بطور آشکارا بیان می کند که گویا مردم از طالبان انتظار حملات زشت را دارند. به گزارش رادیوآزادی این موضوع در اصل واقعیت دارد. اما آیا دلیل کرزی برای سوز دل یک مادر که جگر گوشه اش را از دست می دهد، قناعت بخش است؟ سوالیست که کسی به آن پاسخ داده نمی تواند. این حقیقت است که قوای بین المللی تا هنوز هم باعث تلفات افراد ملکی می شوند و کرزی حق داشته و وظیفه اوست تا از حملات هوایی مرگبار و حملات شبانه و دیگر روش های نیروهای ناتو که به مردم عام ضرر می رساند و آنها را خشمگین می کند، جلوگیری کند. اما اعلامیه های کرزی در مورد نگرانی ناشی از تلفات ملکی توسط قوای خارجی یکجانبه بوده سر و صداهای زیاد را بلند می کند.

کرزی یک نکته را فراموش کرده است که قوای بین المللی طوری که گفته می شود در حال خروج از افغانستان می باشد و از آنجایی که امریکا و ناتو مصروف تربیبت نیروهای امنیتی اند تا هدف را

دقیقاً نشانه گیرند، افغانها چنین وسایل در اختیار ندارد تا از تلفات افراد ملکی جلوگیری کنند. بناً آنها هم احتمالاً مرتکب تلفات افراد ملکی خواهند شد.

باوجود دفاع وحمایت کرزي ازطالبان این گروه تروریستی واجنبی پرست با استفاده از پناه گاه های امن که درپاکستان دارد به کشتار افراد ملکی درکشورادامه میدهد. عملکردطالبان وبخصوص شبکه تروریستی حقانی باعث شده است تاسازمان عفو بین المللی بگوید که باید عاملان آینه‌مه جنایت دریک محکمه جنایات جنگی پاسخ گویند. سازمان عفو بین المللی میگوید- طالبان میدانستند که رستوران‌ت سپوژمی یک محل تفریحی و برای افراد ملکی بود. مگر بازهم به آن حمله کردند و باید این جنایت از دید جنایت جنگی نگریده شود. نماینده این سازمان درکابل میگوید، دولت افغانستان باید دربررسی و شناسایی عاملان این جنایت همکاری کند. سازمان عفو بین المللی از محکمه جرایم جنایات جنگی خواسته است تا پیرامون این حادثه تحقیق کند او تاکید داردآن اشخاص که در سطح رهبری گروه های تروریست اند و عامل این واقعه اند محاکمه شوند. وی طالبان را مسبب حمله برافرادملکی میدانند و تاکید داردکه این گروه عامل هشتاد فیصد حملات علیه افرادملکی است.

منابع مورد استفاده:

- (1) تلاش برای آزادی دموکراسی
 - (2) مخزن المعارف والطائف
 - (3) وبگاه حزب همبستگی افغانستان
 - (3) وبگاه وپندارمقاله های نویسنده – (آقای کرزي آياصداي ملت رامیشنويد).
 - (4) وبگاه اصالت مقاله های نویسنده - (صداي ملت) و قوای مسلح از لشکرکشی شوروی تا یورش نظامیان آمریکا.
 - (5) وبگاه روشنایی مقاله های نویسنده.
 - (6) پایگاه های خبری ووبگاه جمهوری سکوت وخورشید.
 - (7) (مجله افق) درمسکو- سیاست خارجی و امور دیپلوماسی حامد کرزی.
 - (8) منابع خبری.
 - (9) کلید گروپ.
 - (10) وبگاه دعوت – مقاله های نویسنده.
- لطفاً صداي ملت رابه این آدرسها بخوانید:

http://www.esalat.org/images/voice_of_nation.htm

<http://www.vatandar.at/saba.html>

<http://roshnaye.blogfa.com/category/40>

کابل از دولت اسلامی تاجمهوری اسلامی

<http://www.esalat.org/images/kabul%20az%20dawlate%20islami%20.%200.%20.%201.htm>



بقیه گزیده های مقالات (صبح) اینجا کلیک نماید

admin@vatandar.at

مدیر مسوول : انجنیر هما یوسفی

صاحب امتیاز : انجنیرنجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد